

بررسی فقهی و حقوقی جهت نامشروع در قراردادها

سید حمید زعفرانی و امیر رضا شمس‌ی*

گروه حقوق، واحد آیت اله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران
*ایمیل مولف مسئول: a.r.shamsi@iauamol.ac.ir

چکیده

به اعتقاد بعضی از نویسندگان جهت، داعی هر یک از متعاملین قبل از انجام معامله است که سبب انجام معامله می باشد و ممکن است با تحقق معامله در خارج ایجاد گردد. جهت به عنوان داعی اصلی و تعیین کننده معرفی گردیده است. هدف از انجام تحقیق حاضر بررسی فقهی و حقوقی جهت نامشروع در قراردادها بود. با توجه به بررسی های انجام شده می توان گفت که در حقوق ایران تصریح به جهت نامشروع موجب بطلان می شود و علم فروشنده به قصد نامشروع خریدار کافی برای بطلان نیست ولی در فقه چنانچه فروشنده عالم به قصد خریدار باشد و چنانچه ترک بیع از سوی بایع علت منحصر در عدم تحقق فعل حرام از سوی خریدار باشد (مثل اینکه کسی دیگر نتواند مال مشابه را به خریدار بفروشد) در این صورت بیع مزبور حرام و باطل می باشد البته، اگر با ترک بیع از سوی بایع، اشخاص دیگری با خریدار معامله را انجام دهند در این صورت بیع حرام و فاسد نیست.

واژه‌های کلیدی: شرع، فقه، حکم، جهت

۱- مقدمه

حمد و ستایش خداوندی را سزااست که جان آفرید و فکرت آموخت. عشق را آمیزه ی جان ساخت و بشر را چراغ هدایت و نور خود فروخت. درود و صلوات خدا بر خاتم پیامبران محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) و سلام او بر امامان معصوم از صلب مولای متقیان علی ابن ابیطالب (علیه السلام) باد و سپاس فراوان بر استادان علم و اربابان فضیلت و صاحبان قلمی که عمر خود را وقف و صرف تالیف و ارشاد شاگردان و تربیت طالبان فضیلت نموده و در راه اعتلای حقیقت از هیچ کوششی دریغ نداشتند. بر هر مسلمانی فرض است که آنچه شرع مقدس اسلام از آن منع نموده و در آن فساد وجود دارد از خرید و فروش و هبه، دست نگهدارد و تنها به اموری اقدام نماید که از سوی شارع منعی وجود ندارد. یکی از این امور عقود است. اقدام افراد به معامله با انگیزه های مختلفی صورت می پذیرد این انگیزه که جهت نامیده می شود ممکن است بعضاً نامشروع باشد. تاریخ شناسایی جهت به عنوان یک عنصر و شرط مستقل در ساختار اعمال حقوقی در نظام های مختلف حقوقی، یکسان نمی باشد، همچنین در مورد میزان اهمیت و اعتبار این عنصر در میان سایر عناصر عمل حقوقی، نظرات گوناگونی ابراز شده است و در بخشهای مختلف از نظر حقوق اسلام مورد بررسی قرار گرفته است. نکته دیگری که توجه به آن خالی از فایده نیست مربوط به عنوان نظریه در بحث جهت می باشد. در بسیاری از متون حقوقی از بحث جهت به عنوان یک نظریه یاد شده است و آن را با نام نظریه جهت (یا علت) معرفی کرده اند. در یک دید کلی، نظریه عبارتست از مجموعه ای به هم پیوسته از تعریف، مفاهیم، قضایا و موضوعاتی که پدیده ی مورد مطالعه را به طور منطقی و منظم بیان می دارد (تاجداری، ۱۳۶۹، ص ۵۷). از آنجا که جهت ارتباط نزدیکی با اراده و قصد دارد لذا این بحث در محدوده ی اعمال حقوقی مطرح می گردد. عمل حقوقی، عملی است ارادی که اثر حقوقی ایجاد شده در آن بر اساس اراده ی قاصد تعیین می شود. عمل حقوقی به عمل دو طرفه (قرارداد) و یک طرفه (ایقاع) تقسیم شده است (کاتوزیان، ۱۳۸۴). از اینرو هدف از انجام تحقیق حاضر بررسی فقهی و حقوقی جهت نامشروع در قراردادها بود.

جهت در فقه امامیه

در خصوص جهت فقهای شیعه عموماً در کتاب بیع مصادیقی را ذکر کرده اند و بحثهایی را ارایه کرده اند که به ذکر چند نمونه اکتفا می کنیم: مثال مشهور در متون فقهی، فروش انگور به قصد ساختن شراب و فروش چوب به قصد ساختن بت می باشد. فقیهان برای نشان دادن جهت و انگیزه معامله از «ل» غایت، و عبارت «لاجل» و ترکیبایی مانند مقصود حرام به عنوان جهت نامشروع استعمال کرده اند (صفایی، ۱۳۸۴).

جهت در فقه عامه

در فقه اهل سنت از جهت معامله زیر عنوان (نظریه جدید سبب) بحث شده است بدین ترتیب که پس از بحث های مقدماتی، موضع فقهاء در نظریه سبب به معنی جدید آن در دو جهت، اراده ظاهر (انشای عقد) و اراده باطن (قصد و نیت) تبیین شده است. آنچه اصولاً نظر فقهای مذاهب حنیفه و شافعیه را تشکیل می دهد یعنی جهت غالب در موضوع عقد، عقیده کسانی است که مبنای عقد را اراده ظاهری می دانند نه اراده باطنی، بنابراین کاری با قصد و اراده و داعی و... ندارند مگر آنکه در صیغه عقد، ضمن شرط یا اراده ظاهری، بیان شده باشد، همچنین به قصد و باطن عاقد کاری ندارند و نیت او را موثر در عقد نمی دانند. بلکه کافی است ارکان اساسی عقد جمع باشد. البته، از لحاظ احکام تکلیفی بین مذاهب حنفی و شافعی در این خصوص در این حد اختلاف است که شافعی نیت غیر مشروع را حرام و حنفی مکروه می داند در حالیکه از لحاظ حکم وضعی، هر دو مذهب براساس اراده ظاهری، حکم به صحت عقد می کنند. فقهای مذاهب مالکی و حنبلی همچون شیعه مبنای عقد را اراده باطنی و در نتیجه قصد، نیت و داعی را موثر در صحت عقد می دانند. لذا به علت نزدیکی این نظر با نظر فقهای شیعه از شرح بیشتر خودداری می شود (الزحیلی، ۱۴۱۸، ج ۴، صص ۳۰۲۷-۳۰۲۹ به نقل از علی آبادی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۹).

شرایط تاثیر جهت نا مشروع در فقه

الف) علم: شرایط جهت نا مشروع از جمله علم و اهمیت آن در مباحث فقهی مورد توجه بوده و چونکه در فصل چهارم به نظرات فقهاء خواهیم پرداخت همین قدر اکتفا می کنیم که نظر مشهور فقهاء اینست که در نفوذ عقد با عدم تصریح جهت نا مشروع در عقد با علم طرف مقابل نباید تردید کرد.

ب) توافق: نظریه توافق در مقابل نظریه علم مورد پذیرش واقع شده است. این توافق ممکن است به دو صورت تصور شود گاهی این توافق صریحا" در قرار داد ذکر می شود و گاهی توافق خارج از عقد صورت می گیرد اما عقد بر آن توافق واقع می شود. (بحرانی، بی تا، ج ۱۸، ص ۲۰۶) قبل از این در بحث جهت و شرط اشاره شد که قالب این توافق می تواند شرط یا غیر آن باشد و نباید انگیزه اصلی (جهت) را به صرف قرار گرفتن آن در شکل شرط غیر موثر بر عقد دانست. این دسته از فقهاء در مورد توافق (شرط و غیر آن) قاعده ی (اعانت) را جاری نموده اند و مجموعه ی روایات این باب را نیز بر نظرفوق حمل کرده اند. در برخی از متون فقهی توافق را تنها در صورت اشتراط در عقد موثر دانسته اند. (حلی، ۱۳۸۶ ق، ص ۷۷).

ج) قصد: تعدادی از نویسندگان برای عدم مشروعیت معامله نا مشروع قصد را لازم و حتی کافی دانسته اند. از جمله میتوان به نقل (فان نفس القصد علی ذالک ایضا کاف فی الفساد لما عرفت ان الصحه و الفساد و الحلیه و الحرمة دایران مدار قصد المحلل و المحرم) اشاره کرد (سرخسی، ۱۴۰۶ ق، ج ۸، ص ۳۹). برخی از فقهاء با وجود علم، قصد را محقق می دانند لذا بنابراین نظریه به دلیل کفایت علم یا قصد می توان معامله را غیر مشروع دانست (طباطبایی، ۱۳۷۶ ق، ص ۷). در مواردی که قصد طرف بدون توافق با طرف دیگر وجود داشته باشد ظاهرا قاعده (اعانه) جریان دارد.

د) تحقق: علاوه بر نظریات فوق در برخی از متون، تحقق امر نامشروع به ضمیمه ی قصد یا علم به عنوان شرط لازم برای عدم مشروعیت معامله مطرح شده است. بعضی از فقهاء، قصد و تحقق امر نا مشروع را برای صدق قاعده ی اعانه لازم دانسته اند و بدون تحقق آن امر، عمل را صرفا" تجری تلقی کرده اند (نراقی، ۱۴۰۸ ق، ص ۳۰؛ طباطبایی، ۱۳۷۸ ق، ص ۷). در قانون مدنی از تحقق امر نا مشروع در خارج نام برده نشده است و از مواد قانونی نیز نمی توان ضرورت وجود چنین شرطی را استنباط نمود.

ه) صدق عرفی: در کتب فقهی صدق ملاک قاعده ی اعانه معرفی شده است. (اردبیلی، ۱۴۱۱، ج ۸، ص ۴۹). برخی از فقهاء نیز به طور تلویحی این نظر را تایید نموده اند و پس از آن که از روی معیار عرف نتوان صدق قاعده را تشخیص داد قصد نسبت به هدف نا مشروع طرف مقابل را شرط کرده اند. با توجه با این نظر ضرورتا" وجود قصد یا برخی از شرایط دیگر لازم نیست و ممکن است در هر مورد تشخیص صدق قاعده با توجه به شرایط، متفاوت باشد.

بررسی شرایط تاثیر جهت نا مشروع در حقوق موضوعه

برای تاثیر جهت نا مشروع در بطلان عقد، اجتماع شرایطی ضروری است و در صورت فقدان یکی از شرایط نمی توان عقد را باطل دانست. شرایط مزبور در زیر بررسی می شود:

الف) وجود واقعی انگیزه نا مشروع در یکی از دو طرف: برای حکم به بطلان عقد لازم است امر نا مشروع، انگیزه واقعی یکی از دو طرف باشد در صورتی که پس از عقد معلوم شود جهت نا مشروع مورد تصریح، واقعا" انگیزه طرف عقد نبوده است، عقد مزبور را نمی توان باطل دانست. زیرا، ظاهر از عنوان جهت عقد، در ماده ۲۱۷ ق. م. انگیزه واقعی است و آنچه طرف معامله برخلاف واقع به عنوان انگیزه خویش معرفی می کند، درحقیقت جهت عقد نمی باشد. وجود واقعی انگیزه نا مشروع، در یکی از دو طرف برای بطلان معامله کافی است هر چند که انگیزه طرف دیگر مشروع باشد. (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۱۴۲). منظور از نا مشروع بودن جهت، تضاد آن با مقررات باز دارنده قانونی است خواه مقررات مزبور مجازاتی برای مرتکب عمل موضوع جهت تعیین کرده باشد یا اینکه ارتکاب آن عمل، صرفا" با مقررات و روح قانون، نا مساعد باشد مثلا غصب از اعمال نكوهیده و نا مطلوب است و می توان آن را نا مشروع دانست و اگر چه قانون، مجازاتی برای این عنوان، در نظر نگرفته است. به این ترتیب جهت مخالف با اخلاق حسنه یا نظم عمومی را نیز می توان از مصادیق جهت نا مشروع دانست. زیرا، بررسی مقررات ماده ۹۷۵ ق. م. نشان می دهد که عمل خلاف اخلاق حسنه یا نظم عمومی نیز در پیشگاه قانون، زشت

و نا مطلوب است. طبق ماده ۹۷۵ ق. م. (حاکم می تواند قوانین خارجی و یا قراردادهای خصوصی را که بر خلاف اخلاق حسنه بوده و یا به واسطه جریحه دار کردن احساسات جامعه یا به دیگر مخالف با نظم عمومی محسوب بوده میشود به موقع اجرا گذارد اگر چه اجراء قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد). بنابراین هر گاه خریدار خانه به هنگام معامله تصریح کند که خانه را برای زنی خریداری می کند که با او رابطه نا مشروع دارد این معامله را می توان به علت وجود جهت نا مشروع نزد خریدار، باطل دانست. زیرا هر چند خرید خانه برای آن زن به خودی خود مخالف با قانون نیست اما با اخلاق حسنه سازگاری ندارد.

ب) بی واسطه بودن انگیزه نا مشروع: جهت نا مشروعی عقد را باطل می کند که بی واسطه و مستقیم باشد ممکن است اشخاص در انجام عملی، سلسله ای از انگیزه ها را در طول هم داشته باشند که هر یک از آنها واسطه ای برای دستیابی به انگیزه بعدی باشد در این حالت این سوال به ذهن می رسد که آیا نا مشروع بودن هر یک از آنها در صورتی که مورد تصریح قرار گیرد بطلان عقد را به دنبال خواهد داشت یا خیر اگر شخصی هنگام فروش مزرعه خود تصریح کند که قصد دارد از ثمن معامله زمینی بخرد که در آن زمین ساختمانی بنا کند که بعداً آن را به شخصی اجاره دهد تا اجناس ممنوع الورد را پس از وارد کردن آنها به کشور در آنجا به فروش برساند؛ آیا فروش مزرعه را می توان با دلیل وجود جهت نا مشروع باطل دانست؟ پاسخی که می توان به این سوال داد مسلماً منفی است و در این سلسله انگیزه ها؛ منحصر انگیزه ی اجاره دادن ساختمان برای عرضه اجناس ممنوع الورد می توانند عقد اجاره را باطل کند نه فروش مزرعه را. زیرا، از یک طرف آنچه ازواژه (جهت) در ماده ۲۱۷ ق. م. به ذهن تبادر می کند، همان فرد آشکار آن یعنی جهت بدون واسطه یا جهت نزدیک است نه جهت های دور. از طرف دیگر، هر گاه در مانعیت دور نسبت به تشکیل عقد تردید شود، از اصل عدم مانعیت می توان عدم تاثیر انگیزه دور را نتیجه گرفت. افزون بر آن هر گاه در تاثیر انگیزه در وضعیت عقد به انگیزه مستقیم بسنده نشود هیچگاه در خط انگیزه ها نمی توان تفاوتی بین انگیزه نخست و بدون واسطه و انگیزه های دوم و سوم و سایر انگیزه های بعدی یافت. (شهیدی، ص ۳۴۰، ج ۱، ۱۳۸۴ ش)

ج) بارز بودن جهت نا مشروع: ممکن است شخصی در تشکیل قرار دادی انگیزه های متعددی در عرض یکدیگر داشته باشد مانند این که انگیزه مستاجر خانه ای، سکنی گزیدن در آن، تدریس ویا دایر کردن جلسات قمار باشد در این حالت به نظر می رسد نا مشروع بودن انگیزه و جهتی عقد را باطل می کند که بارز و بر جسته باشد و سایر انگیزه های نا مشروع تاثیری در وضعیت نخواهد داشت. مثلاً ظاهر اینست که در مثال بالا، انگیزه اصلی و بارز مستأجر سکنی کردن در خانه است که امری مشروع است و دایر کردن جلسات قمار در آن انگیزه ثانوی و فرعی است و به همین جهت عقد اجاره را نمی توان باطل دانست، زیرا صرف نظر از ظهور و انصراف جهت عقد با انگیزه اصلی و بارز و اصل عدم تاثیر انگیزه های فرعی، چنانکه در قسمت (ب) بیان شد قبول تاثیر انگیزه های فرعی، در بطلان عقد با اصل ثبات قرا دادها خدشه وارد می سازد که این امر مسلماً نمی تواند مورد پذیرش قانونگذار باشد، به علاوه دلیل قانونی بر تاثیر انگیزه فرعی نا مشروع وجود ندارد.

د) تصریح به جهت نا مشروع: در باره ی مفهوم (تصریح) در ماده ۲۱۷ ق. م. دو احتمال وجود دارد. احتمال نخست: چنان که از نظر واژه بر می آید این است که تصریح جهت معامله در برابر عدم تصریح یعنی به طور ضمنی به کار رفته است. بنابراین هر گاه جهت معامله به طور ضمنی نا مشروع باشد و در معامله به آن تصریح نشده باشد، معامله باطل نیست. احتمال دوم: که با منطق حقوق نیز سازگار است، این است که مقصود از تصریح یعنی بطور قاطع و روشن جهت معامله نا مشروع باشد، طبق این نظر، هر گاه در نا مشروع بودن جهت تردید وجود داشته باشد معامله باطل نیست و معامله با جهت نا مشروع، خواه به جهت الفاظ و کلمات و اشارات ذکر شده باشد یا اوضاع و احوال نشان بدهد که بطور قاطع و روشن جهت معامله نا مشروع است یا بر مبنای تراضی پیشین دو طرف برامر نا مشروعی منعقد شده باشد، باطل است (قاسم زاده، ۱۳۸۳ ش، ص ۱۳۳؛ صفایی، ۱۳۸۴ ش، ج ۲، ۱۳۹).

نظریه صحت:

از نظر برخی از فقها، در مساله بیع با جهت نا مشروع، عقد لازم است. زیرا؛ نهی در معاملات موجب فساد عقد نمی باشد (حلی، ۱۳۸۶ ق، ص ۷۷). حتی در صورت پذیرش حکم، به جهت آنکه نهی به امری تعلق گرفته که خارج از معاملات است

مانند اعانت بر اثم فساد وجود ندارد. به اعتقاد برخی از فقیهان، نهی در صورتی دلالت بر فساد دارد که عرفاً ارشاد به فساد نماید. حرمت به هیچ وجه عرفی، شرعی و عقلی دلالت بر فساد ندارد مگر اینکه به نفس معامله تعلق گرفته باشد که در این صورت می توان حرمت را دلیل بر فساد دانست زیرا ظهور آن در طلب ارشادی است (طباطبایی، ۱۳۷۶، ص ۱۲). اما دلایلی مانند حرمت اعانت بر اثم که خارج از معامله می باشد، نمی تواند بر فساد دلالت کنند. (پیشین) برخی از فقها در شکل تعلق نهی به معامله تفصیل قایل شده اند. به نظر آنها یکی از اشکال مورد نظر، تعلق نهی به معامله از جهت انشاء می باشد. در این مورد تعلق نهی یا به دلیل تراحم با واجب اهم یا مضیق است مانند بیع در هنگام نماز جمعه یا به دلیل دخول آن تحت عناوین محرم مانند اعانت بر اثم یا تقویت کفر و امثال آن که، در این مورد معامله صحیح است. زیرا؛ در بحث مورد نظر یعنی معامله ای (بیع) که در آن اعانت بر اثم وجود دارد ایجاد الفاظ به قصد دستیابی غیر به امر نا مشروع، حرام است. پس، نهی به امری خارج از معامله تعلق گرفته است. تقسیم بندیهای فوق در مورد تعلق نهی با تعبیر دیگری مانند تعلق به سبب، مسبب و آثار به کار رفته است (سبحانی، بی تا، ج ۱ ص). همانگونه که بیان شد صاحبان این نظریه در مورد اجاره تقریباً به اتفاق آرا حکم نموده اند. علت این حکم آن است که عوض را در مقابل منفعت نا مشروع معامله باطل دانسته اند همچنین روایات خاص، دال بر حرمت اجرت، مورد استناد ایشان است (طباطبایی، ۱۴۰۴، ق، ج ۲). برخی از فقها همین استدلال را در مورد بیع مطرح کرده اند به اعتقاد ایشان اگر شرط تصرف در منفعت حرام در مبیع به نحوی باشد که بذل مال در مقابل منفعت حرام قرار گیرد معامله باطل است.

نظریه بطلان:

طرفداران این نظریه معمولاً برای تمام موارد مانند بیع، اجاره، و... یک حکم صادر نموده و در اعمال حقوقی مانند بیع و اجاره، جهت نا مشروع را باطل دانسته اند (حلی، ۱۳۸۶؛ امام خمینی، بی تا، ج ۱؛ ص ۴۹۶). به نظر برخی از ایشان (اردبیلی، ۱۴۱۱ق، ج ۸، ص ۴۶) مقصود از نهی در این معاملات، عدم صلاحیت عوض می باشد. در این نظریه، نهی را به معوض یا نفس معامله و یا متعاقدين نسبت داده اند. به اعتقاد برخی از فقها به طور کلی حکم حرمت در بیع موجب فساد می باشد. زیرا، عقد بر عینی واقع شد که از طریق آن خداوند معصیت می شود. به نظر بعضی از ایشان، عرف بین تحریم معامله از یک سو و تنفیذ و ایجاب وفای به آن از سوی دیگر تنافی می بیند و با وجود مبغوضیت به ناچار شارع باید متصدی دفع آن در عالم تشریح باشد و این امر با ردع آن معامله ملازمه دارد خصوصاً "با توجه به اینکه ردع، باعث کاهش ماده فساد و تنفیذ موجب تکثیر آن می گردد. (امام خمینی، ۱۳۸۱ق، ج ۱، ص ۱۵۱). بعضی از فقها در مواردی متعلق نهی در معامله را مصلحتی دانسته اند که تنها با ابطال معامله قابل تحصیل می باشد. علاوه بر استناد وی روایت تحف العقول، طرفداران نظریه بطلان به مفهوم روایاتی در باب نکاح نیز تمسک نموده اند که مفهوم عبارت (انه لم یعص الله) مورد استناد قرار گرفته است. روش معمول فقها در این بحث آن است که ابتدا حکم تکلیفی این نوع معامله را روشن نموده اند و سپس به حکم وضعی آن پرداخته اند بدین معنا که پس از اثبات حرمت معامله (بنابر اختلاف نظر در شرایط حرمت) در مورد فساد آن بحث کرده اند. در این روش حتی گروه ای که اشتراط را شرط حرمت قرار گرفتن می دانسته اند دلالت نهی بر فساد را بررسی کرده اند اما برخی از ایشان شرط و التزامی را که موجب قرار گرفتن عوض در مقابل منفعت حرام باشد، باعث فساد دانسته اند. مستند اصلی ایشان قاعده ی (کل مال به باطل) و نیز قاعده اعانت است. (شیخ انصاری، بی تا، ج ۲، ص ۴۵ به بعد) ظاهراً بطلان معامله براساس این نظر ربطی به بحث فاسد یا مفسد بودن ندارد بلکه شرط به نحوی است که در واقع موضوع معامله را نامشروع می کند و قاعده ی (اکل به باطل) جاری می گردد.

بحث و نتیجه گیری

هدف از انجام تحقیق حاضر بررسی فقهی و حقوقی جهت نامشروع در قراردادهای بود. با توجه به بررسی های انجام شده می توان گفت که در حقوق ایران تصریح به جهت نا مشروع موجب بطلان می شود و علم فروشنده به قصد نا مشروع خریدار کافی برای بطلان نیست ولی در فقه چنانچه فروشنده عالم به قصد خریدار باشد و چنانچه ترک بیع از سوی بایع علت منحصر در عدم تحقق فعل حرام از سوی خریدار باشد (مثل اینکه کسی دیگر نتواند مال مشابه را به خریدار بفروشد) در این صورت بیع

مزبور حرام و باطل می باشد البته ، اگر با ترک بیع از سوی بایع، اشخاص دیگری با خریدار معامله را انجام دهند در این صورت بیع حرام و فاسد نیست . در کل می توان گفت که قواعد مربوط به حقوق تعهدات و قراردادهای به طور عمده در قانون مدنی ایران قرار داده شده است . قانون مدنی ایران در ماده ۱۹۰ شرایط اساسی صحت معاملات را بیان نموده و در آخرین شرایط در خصوص آثار نظریه علت به اعتقاد برخی از ایشان اگرچه در قانون مدنی از نظریه علت نام برده نشده ، اما با توجه به راه حل های موجود در بحث حق حبس ، حق فسخ، ... می توان گفت قانون مدنی ایران نیز نظریه علت تعهد را پذیرفته است. بعضی از حقوقدانان (صفایی، ۱۳۸۴، ص ۸۰) نیز ضمن قبول ضمنی نظر فوق ، فواید نظریه علت در حقوق داخلی را از طریق قصد و اراده و رضا قابل دسترسی ندانسته اند و عدم ذکر این نظریه در قانون مدنی را بی تاثیر می دانند . بنابر این اعتقاد ، نظریه علت نوعی ، نظریه ی بی فایده است و اصل حاکمیت اراده و موضوع تعهد برای بدست آوردن نتایج این اصل ، کافی می باشد و به همین جهت در قانون مدنی ما نیز این بحث وارد نشده است (کاتوزیان ، ۱۳۸۰). همچنین این نکته قابل استنباط می باشد که قدمت بیان نظریه در نظام حقوقی اسلام بیش از سایر نظام های حقوقی است زیرا مبانی این نظریه در حقوق اسلام از اولین سالهای ظهور اسلام اعلام گردید و نهایتاً در دو قرن بعد از آن مورد تفسیر قرار گرفت خصوصاً پس از عصر امام صادق (ع). با توجه به نتایج بدست آمده پیشنهاد می شود که: ۱ - ارائه احکام اسلامی به نحوی که همگی افراد جامعه بتوانند مسائل پیچیده فقهی را به صورتی شفاف متوجه شوند این نیازی است که امروزه در بسیاری از افراد جامعه احساس می شود امیدواریم که بیان احکام اسلامی و فقهی از سوی مراجع به نحوی صورت پذیرد که پاسخگوی نیاز های روز جامعه باشد . ۲- آگاهی و اطلاع یافتن حقوقدانان از مسائل فقهی که مرتبط با مسائل و مشکلات حقوقی جامعه کنونی است ، می طلبد که این امر بیشتر مورد توجه قرار گیرد فقه پویا بسیاری از مشکلات جامعه امروز ما را می تواند حل نموده و راهگشا باشد . ۳ - در مورد اینگونه مسائل حقوقی (لزوم مشروعیت جهت معامله تاکنون کتاب مستقل و تحقیق کامل چه از فقها و چه از حقوقدانان صورت نگرفته بلکه به صورت پراکنده بوده ، بهتر است که اساتید مجرب در اندیشه تدوین این نوع مسائل باشند تا مورد استفاده افراد دیگر جامعه قرار گیرد . ۴ - با توجه با اینکه بطلان معامله بر خلاف اصل صحت می باشد باید به قدر متقین اکتفا گردد و قدر متقین از بطلان معامله با جهت نا مشروع آن است که جهت نا مشروع بدون واسطه باشد از این رو ، پیشنهاد می گردد ماده ای به شکل زیر به قانون مدنی اضافه گردد : ماده ی ۲۱۷ مکرر : (جهت نا مشروع در صورتی موجب بطلان معامله می شود که مستقیم و بی واسطه باشد) .

منابع

- اردبیلی، احمد ، (۱۴۱۱ ق) مجمع الفایده و البرهان فی شرح ارشاد الازدهان ، ج (۸) ، الطبعة الاولى ، قم ، موسسه النشر الاسلامی .
- بحرانی ، یوسف ، بی تا (حدائق الناصره فی احکام العتره الطاهره المجد (۱۸) ، دارالکتب الاسلامیه ،
- حلی ، نجیب الدین یحیی بن سعید (۱۳۸۶ ق ،) نزهه الناظر فی الجمع بین الاشباه و الناظر ، نجف ، مطبوعه الاداب .
- تاجداری ، پرویز ، (۱۳۶۹ ش) روش های علمی تحقیق ، چاپ اول ، اصفهان .
- صفایی ، سید حسین ، (۱۳۸۴ ش) دوره مقدماتی حقوق مدنی ، جلد ۲ ، نشر میزان .
- خمینی (امام) ، روح الله ، (بی تا) ، تحریر لاوسیله ، المجلد (۱ ، ۲) ، چاپ دوم ، قم ، موسسه مطبوعات دارالعلم .
- خمینی (امام) ، روح الله (۱۳۸۱ ق) المکاسب المحرمه ، المجلد (۱) ، موسسه اسماعیلیان .
- سرخسی ، شمس الدین ، (۱۴۰۶ ق) کتاب المبسوط ، المجلد (۸) ، الجزء (۱۵ ، ۱۶) ، بیروت ، دارالمعرفه .
- طباطبایی ، سید محمد کاظم ، (۱۳۴۰ ش و ۱۳۷۶ ش) رساله السؤال و الجواب ، نجف ، مطبوعه حیدریه .
- طباطبایی ، سید علی ، (۱۴۰۴ ق) ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالذلال ، المجلد (۱ ، ۲) ، قم ، موسسه آل البيت .
- شهیدی ، مهدوی ، (۱۳۸۴ ش) حقوق مدنی (تشکیل قراردادها و تعهدات) ، انتشارات مجد .
- علی آبادی ، علی ، (۱۳۸۱ ش) ، ایجاد و سقوط تعهدات ناشی از عقد در حقوق اسلامی ، انتشارات دانشگاه تهران .
- قاسم زاده ، سید مرتضی (۱۳۸۳ ش) حقوق مدنی ، اصول قرار دادهای و تعهدات نظری ، کاربردی ، نشر دادگستری .

کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۰ ش و ۱۳۸۴ ش) حقوق مدنی ۳ (اعمال حقوقی، قرارداد ایقاع)، شرکت سهامی انتشار .
کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۰ ش) حقوق مدنی، (قواعد عمومی قراردادها) جلد ۳، ناشر شرکت سهامی انتشارات با همکاری
بهمن برنا .
کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۴ ش) مقدمه علم حقوق، ناشر، شرکت سهامی انتشار .